

سن و رضایت به ازدواج از منظر نظام بین‌المللی حقوق بشر

Age and Consent to Marriage in the Light of International Human Rights Law

M. Ghadiri, Ph.D.

دکتر ماهر و غدیری ✉

استادیار پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۹۴/۸/۱۳
دریافت نسخه اصلاح‌شده: ۹۴/۹/۲۰
پذیرش مقاله: ۹۴/۱۰/۲۰

Abstract

Marriage is the starting point of founding a family in most societies, especially in traditional ones. This right has been mentioned in the Covenant on Civil and Political Rights and the Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, which is indicative of the indivisibility and inseparability of all human rights. One of the most important subjects in the formation of a marriage is that of marital age and consent to marriage, which is an international concern and international human rights law has addressed it.

چکیده

ازدواج در اغلب جوامع امروزی، و به‌ویژه در جوامع سنتی، نقطه آغاز زوجیت و خانواده است که با تولد فرزند کامل می‌شود. این حق هم در میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد اشاره قرار گرفته که این خود حاکی از انفکاک‌ناپذیری حقوق بشر است. ازدواج کودکان به دلیل شیوع و آثار غیرقابل جبرانی که بر وضعیت آنان و به‌ویژه کودکان دختر دارد یکی از دغدغه‌های جامعه بین‌المللی است که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر با تأکید بر اهمیت تعیین حداقل سن ازدواج و ارتباط آن با رضایت به ازدواج به آن پرداخته شده است.

✉Corresponding author: Iran, Tehran, Shahid Beheshti University, Family Research Institute.
Fax: +98-02129902368
Email: m_ghadiri@sbu.ac.ir

✉نویسنده مسئول: اوین، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده
تلفن: ۲۹۹۰۲۳۶۴
پست الکترونیکی: m_ghadiri@sbu.ac.ir

Early marriage and any marriage performed without valid consent, have a negative impact on the individual, the family, and society. These pose an especially serious threat to the physical and psychological health of girls who are not physically mature enough as it "increases the risk of unintended pregnancy, maternal and newborn mortality and sexually transmitted infections." This paper analyses the human rights dimensions of child marriage in detail with a look at the Iranian legal system's approach to the issue.

Keywords: Right to Marry and Found a Family, Principle of Nondiscrimination, Child Marriage, Early and Forced Marriage, Iranian Civil Law.

به‌موجب این اسناد کشورهای عضو ملزم به تعیین حداقل سن برای ازدواج هستند که این سن باید به گونه‌ای تعیین گردد که رضایت شخص به ازدواج بتواند معتبر تلقی شود. البته صرف تعیین این سن و جرم‌انگاری ازدواج زود هنگام و اجباری بدون پرداختن به ریشه‌های آن نه تنها این معضل را حل نمی‌کند بلکه می‌تواند سایر حقوق فرد را تحت‌الشعاع قرار دهد. در این مقاله با مروری بر این اسناد و نظریات تفسیری علاوه بر مشخص نمودن جزئیات آن‌ها به وضعیت نظام حقوقی ایران در این خصوص اشاره و پیشنهادهای ارائه خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: حق ازدواج و تشکیل خانواده، اصل منع تبعیض، ازدواج کودکان، ازدواج زود هنگام و اجباری، قانون مدنی ایران

مقدمه

نهاد ازدواج یکی از قدیمی‌ترین نهادها در اجتماعات مختلف بشری است، هرچند که قانونمندان آن امری متأخر است و به قدمت خود این نهاد نمی‌رسد. امروزه برای قانونمندی این نهاد، دولت‌ها با لحاظ شرایط و موانعی، محدودیت‌هایی را بر آن بار می‌کنند. در قانون این کشورها به اموری که وجودشان برای درستی عقد ضرورت دارد و کیفیاتی که وجودشان مانع از وقوع عقد است یا نبودن آن‌ها شرط درستی عقد می‌باشد اشاره شده و این‌ها از مواردی هستند که طرفین نمی‌توانند برخلاف آن‌ها توافق کنند.

اهلیت طرفین ازدواج به لحاظ قابلیت جسمی و بلوغ علاوه بر قصد و رضا و اعلام اراده که دو مورد اخیر ارتباط قابل تأملی با حداقل سن ازدواج دارند، از جمله شرایط ازدواج می‌باشند و از موانع نکاح می‌توان وجود درجه‌ای از قرابت سببی و نسبی، متأهل بودن یکی از زوجین، تفاوت در مذهب یا تابعیت زوجین و هم‌جنس بودن طرفین عقد ازدواج را نام برد که این شرایط و موانع می‌تواند از کشوری به کشور دیگر متفاوت باشد.

وضع چنین قواعدی در کشورها در حالی صورت می‌گیرد که دیدگاه مقابلی وجود دارد و معتقد

است دولت نباید در تعریف ارتباطات شخصی، از جمله ازدواج، مداخله کند. طرفداران این دیدگاه معتقدند بهترین تعریف از چنین ارتباطاتی توسط خود اشخاص خصوصی صورت می‌گیرد و باید به مردم اجازه داد مطابق وجدان، مذهب و عقل سلیم در این باره تصمیم بگیرند. به اعتقاد آنان، دولت می‌تواند ثبت چنین قراردادهایی را به منظور برخورداری از آثار حقوقی الزام‌آور کند، اما در هر حال محتوای این قرارداد را باید خود طرفین مشخص کنند.

نظر به علل و پیامدهایی که بی‌توجهی به موضوع حداقل سن ازدواج و رضایت که ارتباط مستقیمی با سن ازدواج دارد، برای فرد، خانواده و جامعه دارد، ازدواج زودهنگام و اجباری یکی از دغدغه‌های نظام بین‌المللی حقوق بشر است که دولت‌ها مکلف به قانونگذاری و انجام اقدامات مقتضی درباره آن می‌باشند و کارگزاری‌های تخصصی سازمان ملل متحد از جمله صندوق حمایت از کودکان ملل متحد (یونیسف)، سازمان جهانی بهداشت، صندوق جمعیت ملل متحد، یونسکو و بانک جهانی، تا کنون برنامه‌هایی را برای مقابله با آن تدوین و اجرا نموده‌اند.^۱

در این مقاله ضمن اشاره به علل و پیامدهای ازدواج زودهنگام و اجباری، با مروری بر اسناد بین‌المللی اعم از معاهدات، اعلامیه‌ها و قطعنامه‌ها و همینطور تفاسیر و نظریات عمومی نهادهای مبتنی بر معاهدات حقوق بشری، ابتدا به حق ازدواج و شرایط آن اشاره می‌شود و سپس به طور خاص به موضوع سن و رضایت به ازدواج از منظر این نظام به همراه جزییاتی نظیر تفاوت سن ازدواج برای دختر و پسر و بررسی آن بر مبنای اصل ممنوعیت تبعیض و اجازه ولی برای ازدواج و به‌ویژه ازدواج دختر و ارتباط آن با اصل آزادی و ممنوعیت تبعیض پرداخته و به مقررات ایران در این خصوص اشاره و پیشنهاداتی ارائه خواهد شد.

گفتار ۱- حق ازدواج و تشکیل خانواده در اسناد حقوق بشری

اهمیت خانواده و لزوم حمایت از آن را که یکی از دغدغه‌های جامعه بین‌المللی است، می‌توان در عهدنامه‌های حقوق بشری معاصر، چه در سطح جهانی و چه منطقه‌ای مشاهده کرد. ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر^۲، ماده ۱۷ و ۲۳ میثاق حقوق مدنی و سیاسی^۳، ماده ۱۰ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۴، ماده ۱۶ عهدنامه منع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان^۵، مواد متعددی در عهدنامه حقوق کودک^۶، عهدنامه حمایت از کلیه کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنان^۷، مواد ۸ و ۱۲ عهدنامه اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی^۸، ماده ۱۶ منشور اجتماعی اروپا^۹ و مواد ۱۱ و ۱۷ منشور آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها^{۱۰} اختصاص به بحث خانواده و ازدواج دارند و متضمن تکالیف منفی و مثبت برای دولت‌ها در سطوح عمودی (رابطه دولت با شهروندان) و افقی (رابطه بین اشخاص) هستند.

در ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر، خانواده به عنوان رکن طبیعی و اساسی اجتماع تلقی

شده که حق بهره‌مندی از حمایت جامعه و دولت را دارد (بند ۳) و بدون ارائه تعریفی از خانواده، به حق هر زن و مرد بالغی به ازدواج و تشکیل خانواده اشاره نموده است. ماده ۲۳ میثاق حقوق مدنی و سیاسی در بند اول به تکرار بند سوم اعلامیه پرداخته و مجدداً بدون ارائه تعریف از خانواده، حق ازدواج و تشکیل خانواده برای زنان و مردانی را از زمانی که به سن ازدواج می‌رسند به رسمیت شناخته است.

ماده ۱۰ میثاق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز با تکرار بند ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند ۱ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و بدون اشاره به مفهوم خانواده، خواستار حد اعلاى کمک و مساعدت را برای تشکیل و استقرار خانواده خواستار شده است. در ماده ۱۶ عهدنامه رفع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان نیز تنها به تعهد دولت‌ها در رفع تبعیض علیه زنان در کلیه امور مربوط به ازدواج و روابط خانوادگی اشاره شده است.

عهدنامه حقوق کودک نیز بدون اشاره به تعریف خانواده اذعان می‌دارد که برای رشد کامل و متعادل شخصیتی، کودک باید در محیط خانواده و در فضایی مملو از خوشبختی، محبت و تفاهم بزرگ شود و در مواد متعدد به اهمیت رشد و پرورش کودک در محیط خانواده به طور مستقیم یا غیر مستقیم اشاره می‌کند.^{۱۱}

در بند ۱ ماده ۴۴ عهدنامه حمایت از کلیه کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنان مصوب ۱۹۹۰ بدون ارائه تعریفی از خانواده آمده است: «کشورهای عضو با شناسایی خانواده به عنوان واحد جمعی طبیعی و بنیادین جامعه که استحقاق حمایت جامعه و دولت را دارد، باید اقداماتی را برای تضمین حمایت از انسجام خانواده‌های کارگران مهاجر به عمل آورند.»

در ماده ۲۳ عهدنامه حقوق افراد دارای معلولیت^{۱۲} مصوب ۲۰۰۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز بدون ارائه تعریفی از خانواده به رفع تبعیض علیه افراد دارای معلولیت در موضوع خانواده اشاره و به حق باروری آنان برابر با دیگران و اتخاذ تصمیم آزادانه و مسئولانه در مورد تعداد و فاصله کودکان و روش‌های ضروری به منظور قادر ساختن آنان جهت اعمال حق تشکیل خانواده و باروری تأکید شده است (بند (الف) و (پ) ۱).

حفظ حریم زندگی خانوادگی و حق ازدواج و تشکیل خانواده برای زنان و مردانی که در سن ازدواج قرار می‌گیرند، مضمون ماده ۸ و ۱۲ عهدنامه اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین را تشکیل می‌دهد.

اشاره به خانواده به عنوان واحد طبیعی و بنیادین جامعه که استحقاق حمایت جامعه و دولت را دارد و شناسایی حق ازدواج و تشکیل خانواده برای مردان و زنان و عدم مداخله در زندگی خصوصی و خانوادگی افراد مضمون مواد ۱۱ و ۱۷ منشور آمریکایی حقوق بشر و خلق‌ها^{۱۳} - بدون اشاره به مفهوم خانواده- قرار گرفته است.

منشور آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها، گرچه برای خانواده به عنوان واحد طبیعی و مبنا و اساس اجتماع و حافظ ارزش‌های اخلاقی و سنتی جایگاه والایی قائل شده (ماده ۱۸) و به وظیفه افراد در قبال خانواده (ماده ۲۷) و توسعه هماهنگ خانواده و احترام به آن (ماده ۲۹) اشاره نموده اما مانند سایر اسناد حقوق بشری، تعریفی از خانواده ارائه نداده است.^{۱۴}

اجتناب تدوین‌کنندگان این اسناد از واردشدن به بحث ماهوی تعریف خانواده، از آگاهی از این واقعیت حکایت دارد که خانواده یک مفهوم مبتنی بر فرهنگ است و از جامعه‌ای به جامعه دیگر، علی‌رغم وجود اشتراکات، می‌تواند متفاوت باشد؛ چنان که حتی در یک جامعه مشخص نیز مفهومی ایستا نیست بلکه انعکاس‌دهنده ماهیت و تغییراتی است که در طول زمان در آن جامعه اتفاق می‌افتد. لذا درک این که خانواده از چه عناصری تشکیل می‌شود، مستلزم یک تفسیر موسع است که از ازدواج تک‌همسری و خانواده هسته‌ای تا ازدواج چندهمسری و خانواده‌های گسترده می‌تواند امتداد یابد.

گفتار ۲- حق ازدواج و شرایط آن طبق اسناد حقوق بشری

بحث‌های بسیاری درباره جهانی‌بودن شاخص‌های حقوق بشری درباره ازدواج که مورد حساسیت کشورهای بسیاری است، وجود دارد و دلیل آن ریشه‌داشتن این نهاد در عرف‌های مذهبی، سنتی و فرهنگی جوامع مختلف است. حتی برخی کشورها نظیر آفریقای جنوبی که از تنوع قبیله‌ای و فرهنگی بسیار بالایی برخوردارند، برای حل معضل استدلال‌های مختلف درباره ماهیت این حق، در قانون اساسی خود اشاره خاصی به حق ازدواج نکرده‌اند. (اسمیت و انکر^{۱۵}، ۲۰۰۵، ۲۲۴)

با نگاهی اجمالی به اسناد حقوق بشری می‌توان دریافت آن‌چه به‌طور سنتی در مورد این نهاد، در مفهوم نهادی برای افراد غیرهم‌جنس، پذیرفته شده، مورد تأیید این اسناد است. این دیدگاه سنتی با اشاره صریح به زنان و مردان در ماده (۱) ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۲ عهدنامه اروپایی حقوق بشر، ماده (۲) ۱۷ عهدنامه اروپایی حقوق بشر و ماده (۲) ۲۳ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، کاملاً مشخص است.^{۱۶}

یکی از سؤالات مطرح درباره حق ازدواج این است: آیا این حق برای همه افراد به‌صورت مطلق وجود دارد یا دولت‌ها می‌توانند قوانینی را در جهت اعمال و شرایط و محدودیت‌هایی را در این زمینه وضع کنند؟

نگاهی اجمالی به قوانین کشورها نشان می‌دهد اغلب کشورها شرایطی را برای صحت و اعتبار عقد ازدواج مشخص و در مواردی ازدواج بین افراد را ممنوع می‌کنند. مشخص کردن سن ازدواج، ممنوعیت ازدواج محارم، اجازه ولی دختر برای ازدواج، ممنوعیت ازدواج هم‌جنس‌ها، ممنوعیت ازدواج بین افراد با مذاهب متفاوت و چندهمسری و محدودیت ازدواج افراد با تابعیت‌های متفاوت از

جمله این شرایط و محدودیت‌ها هستند.

زمانی که پیش‌نویس میثاق حقوق مدنی و سیاسی در دست تهیه بود، این موانع عملاً در قوانین بسیاری از کشورها وجود داشت؛ به‌طوری که دور از تصور بود که کشورهای عضو، با تصویب میثاق تمایل به الغای کامل این محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها داشته باشند؛ به علاوه چندین هیأت نمایندگی در کمیته سوم مجمع عمومی به‌وضوح خاطرنشان ساختند که آنان موانع ملی عموماً به رسمیت شناخته‌شده ازدواج را مطابق با ماده (۲) ۲۳ میثاق می‌دانند (نواک^{۱۷}، ۲۰۰۵، ۵۲۹). این ماده به اتفاق آرا تصویب شد، بدون این‌که این تفسیر مورد بحث و تردید قرار گیرد و این واقعیت که هیچ دولت عضوی در هنگام تصویب میثاق اعمال حق شرط نکرد و فقط بلژیک اعلامیه تفسیری صادر نمود (نواک، ۲۰۰۵، ۵۲۹)، تأکیدی بر چنین تفسیری است. اما به هر ترتیب باید توجه داشت که اصول عامی چون آزادی و منع تبعیض، خود می‌تواند معیار و محکی مجزا برای بررسی مشروعیت این محدودیت‌ها باشد.

گفتار ۳- سن ازدواج

در این گفتار علاوه بر پرداختن به علل و پیامدهای ازدواج‌های زودهنگام و اجباری به تعیین حداقل سن ازدواج از منظر موازین بین‌المللی حقوق بشر و همین‌طور تفاوت در سن ازدواج دختر و پسر از همین منظر پرداخته می‌شود و به قواعد و مقررات مربوط به آن در نظام حقوق ایران نیز اشاره خواهد شد.

بند ۱. تعیین حداقل سن ازدواج

ازدواج در سنین پایین به ویژه در زمانی که شخص هنوز به بلوغ روانی و اجتماعی لازم نرسیده می‌تواند آسیب‌های جدی برای فرد، خانواده و حتی جامعه داشته باشد. عرف، عادت و رسوم محلی (حفظ شرافت خانوادگی...)، انگیزه‌های مذهبی (مصون ماندن از گناه...)، علل فرهنگی (ترس از بی همسر ماندن دختران...)، فقر و محرومیت (رهایی از هزینه خوراک، پوشاک و تحصیل کودک...)، اعتیاد (معامله دختر در قبال دریافت پول...)، بی‌سوادی، اختلالات روانی پدر/مادر کودک، تک‌والد بودن کودک، کودک با والد ناتنی از جمله مهم‌ترین علل وقوع چنین ازدواج‌هایی است که می‌تواند پیامدهای غیرقابل جبرانی را به دنبال داشته باشد.

محروم شدن از تحصیل، بار مسئولیت‌های زندگی مشترک بدون آموزش‌های اولیه که کودک به دلیل عدم بلوغ روانی درک درستی از آن ندارد، قرار گرفتن در معرض خشونت خانگی، مداخلات آسیب‌زننده خانواده‌های زوجین، استثمار توسط شوهر و خانواده شوهر، بارداری زودهنگام و خطرات آن برای سلامتی مادر و کودک، مسئولیت‌های پدری یا مادری در سنی که خود کودک و نیاز به حمایت دارد، بزرگسال تلقی شدن و عدم حمایت به عنوان کودک، سستی بنیان‌های خانواده و طلاق

عاطفی، عدم توانایی در خروج مناسب از یک رابطه مبتنی بر سوءرفتار، افسردگی، خودکشی، فرار از خانه، روسپیگری، اعتیاد، طلاق و محرومیت‌های اجتماعی و اقتصادی حاصل از بی‌همسری (تبعات طلاق کودکان با بزرگسالان قابل قیاس نیست)، زنانه شدن فقر و شیوع انحرافات و کج‌روی‌های اجتماعی، وقوع تجربه‌های بسیار تلخ و احساس قربانی شدن، بی‌پناهی و بی‌کسی و سرخوردگی از جمله عواقب چنین ازدواج‌هایی می‌تواند باشد^{۱۸}. (ساب، تمرمن، برمس و لیه^{۱۹}، ۲۰۱۴، ۷؛ پینچرو^{۲۰}، ۲۰۰۶، ۶۰) همین دلایل موجب شد اسناد بین‌المللی حقوق بشر به موضوع سن ازدواج و رضایت به آن توجه ویژه‌ای داشته باشند^{۲۱}.

اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ در ماده ۱۶ مقرر می‌دارد مردان و زنان در ازدواج و انحلال آن، از حقوق برابر برخوردارند و همسران آینده، هر دو، باید به ازدواج رضایت کامل و آزادانه داشته باشند.

بند دوم ماده ۲۳ میثاق حقوق مدنی و سیاسی حق ازدواج را مختص مردان و زنانی می‌داند که به سن ازدواج^{۲۲} رسیده‌اند این درحالی است که گرچه علاوه بر میثاق، منشور اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و منشور آمریکایی حقوق بشر، اصطلاح «سن ازدواج» را به کار می‌برند اما در اعلامیه جهانی حقوق بشر از واژه «سن بلوغ»^{۲۳} استفاده شده است. «سن بلوغ» هم می‌تواند به «سن بلوغ قانونی»^{۲۴} و هم به «سن بلوغ جسمی» بازگردد^{۲۵}.

در جریان تدوین میثاق در کمیته سوم مجمع عمومی، چند هیأت نمایندگی به معاهده رضایت به ازدواج، حداقل سن ازدواج و ثبت ازدواج اشاره کردند^{۲۶}. ماده دو معاهده دولت‌های عضو را ملزم می‌کند که حداقل سن ازدواج را به‌موجب قانون مشخص نمایند و از این سن حداقلی، تنها بتوان با دلایلی جدی و سخت‌گیرانه و با توجه به منفعت یا مصلحت زوج، صرف‌نظر نمود. در مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز توصیه‌نامه‌ای در راستای اجرای این عهدنامه تصویب شد که محدودیت سنی حداقلی برای ازدواج را ۱۵ سال قرار دادند^{۲۷}.

بنابراین به نظر می‌رسد کشورهای عضو میثاق باید یک سن حداقلی برای حق ازدواج مقرر کنند و در این راستا گرچه قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد صرفاً یک توصیه‌نامه بوده و الزام‌آور نیست اما می‌تواند در کنار نظریات ارائه شده توسط برخی هیأت‌های نمایندگی در خلال تهیه پیش‌نویس میثاق، مورد توجه قرار گیرد.

کمیته حقوق بشر در تفسیر عمومی خود^{۲۸} اظهار می‌دارد علی‌رغم عدم تعیین سن ازدواج در میثاق، این سن باید به نحوی تعیین شود که زوجین بتوانند رضایت کامل و آزاد خود را به شکلی که در قانون مشخص شده ابراز کنند. این نظر کمیته از رابطه معنادار بین سن ازدواج و رضایت آزاد و کامل برای ازدواج حکایت دارد.

علاوه بر این که پایین آوردن سن حداقلی برای ازدواج به زیر سن بلوغ جسمی، با هدف ازدواج

در چارچوب مفهوم مدنظر میثاق و الزامات رضایت کامل و آزادانه (ماده ۲۳(۳) در تعارض است. باید توجه داشت تعیین یک سن حداقلی که بیشتر از سن بلوغ جسمی یا سن بلوغ قانونی باشد نیز به نحو دیگری می‌تواند با حق مردان و زنان بر ازدواج در تعارض باشد؛ کما این که در قوانین برخی کشورها سن ازدواج به ویژه برای پسران ۲۰ و ۲۱ سال است.^{۲۹}

بند ۲ ماده ۱۶ عهدنامه رفع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان مصوب ۱۹۷۹ نیز مقرر می‌دارد «نامزدی و ازدواج کودک اثر حقوقی ندارد و دولت‌ها باید حداقل سن ازدواج را تعیین کنند و ثبت رسمی ازدواج را الزامی سازند.» کمیته رفع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان در تفسیر عمومی شماره ۲۱ خود تحت عنوان «برابری در ازدواج و روابط خانوادگی»^{۳۰} پیشنهاد می‌کند سن ازدواج برای مردان و زنان ۱۸ سال باشد. طبق همین توصیه‌نامه عمومی، در اعلامیه برنامه کاری وین که در «کنفرانس جهانی حقوق بشر» در وین از تاریخ ۱۴ تا ۲۵ جون ۱۹۹۳ تصویب شد، از دولت‌ها خواسته شد قوانین و مقررات موجود را اصلاح و سنت‌ها و رویه‌های تبعیض‌آمیز و مضر برای کودکان دختر را لغو کنند.

بند ۲ ماده ۱۶ و سایر مواد عهدنامه حقوق کودک دولت‌های عضو را از تجویز و اعتبار بخشیدن به ازدواج افراد زیر سن قانونی منع می‌کند. در فضای عهدنامه حقوق کودک، «کودک یعنی هر فرد کمتر از ۱۸ سال، مگر این که قانون قابل اجرا برای کودک، سن قانونی را زودتر از آن قرار داده باشد. با توجه به همین تعریف و مواد اعلامیه وین، کمیته مزبور نظر می‌دهد که حداقل سن ازدواج برای مرد و زن باید ۱۸ سالگی باشد.

اخیراً براساس بند ۱۹ تفسیر عمومی مشترک کمیته رفع تبعیض علیه زنان و کمیته حقوق کودک در نوامبر ۲۰۱۴، سن ۱۸ سال برای ازدواج بر اساس تصمیم دادگاه نهایتاً به ۱۶ سال قابل تقلیل است.^{۳۱}

در سال ۲۰۱۰ بر اساس اعلام سازمان ملل متحد^{۳۲}، ۱۵۸ کشور حداقل سن ازدواج دختران بدون نیاز به رضایت والدین را ۱۸ سال و بیشتر و ۲۹ کشور زیر ۱۸ سال تعیین کرده‌اند. همچنین ۱۴۶ کشور ازدواج دختران زیر ۱۸ سال را با رضایت والدین یا تایید مقام یا مرجع مربوطه و ۲۵ کشور ازدواج زیر ۱۵ سال با رضایت والدین را پذیرفته‌اند. در ۱۸۰ کشور سن ازدواج برای پسران بدون رضایت والدین یا مرجع مربوطه ۱۸ سال و بیشتر بوده است. به علاوه ۸ کشور پسران زیر ۱۸ سال بدون رضایت والدین می‌توانند ازدواج کنند در حالی که در ۱۰۸ کشور ازدواج آنان نیاز به رضایت والدین یا مرجع مربوطه را دارد و تنها ۲۳ کشور ازدواج پسران کمتر از ۱۵ سال را با رضایت والدین مجاز دانسته‌اند.

تنها چهار کشور در جامعه بین‌المللی (عربستان، مالدیو، گامبیا و سودان) حداقل سن ازدواج را مشخص نکرده‌اند و ایران در بین کشورهای جهان بعد از گینه (۱۲ سال) پایین‌ترین سن ازدواج

برای دختران، یعنی ۱۳ سال را پذیرفته است؛ البته ازدواج دختران کمتر از ۱۳ سال و پسران کمتر از ۱۵ سال با اذن ولی و به شرط مصلحت مولی‌علیه و با مجوز دادگاه امکان‌پذیر است^{۳۳} و وضعیت ایران شبیه به وضعیت کشورهای است که حداقل سن ازدواج را مشخص نکرده‌اند. پایین‌ترین سن در سایر کشورها نظیر موزامبیک، ماداگاسکار، ونزوئلا و بولیوی ۱۴ سال است^{۳۴}.

بند ۲. تفاوت در سن ازدواج دختر و پسر

در اغلب جوامعی که سن بلوغ جنسی، سن قانونی ازدواج در نظر گرفته شده، از آن‌جا که این تغییرات جسمی رفتاری و عاطفی در دختران معمولاً زودتر از پسران شروع می‌شود، سن ازدواج دختران به نسبت پسران معمولاً پایین‌تر است.

به نظر می‌رسد اگر بلوغ جنسی می‌توانست تنها معیار لازم و شرط کافی برای ازدواج تلقی شود، چنین تفاوتی در سن ازدواج دختر و پسر عینی و منطقی محسوب می‌شد؛ اما با توجه به این که علاوه بر سن بلوغ جنسی، بلوغ روانی و درک عقلی برای وارد شدن به زندگی مشترک لازم است، به نظر می‌رسد اگر کشوری بین سن ازدواج دختر و پسر تفاوت بگذارد باید دلایل عینی و منطقی برای این تفاوت ارائه دهد^{۳۵}.

در توصیه‌نامه عمومی شماره ۲۱ کمیته رفع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان، درباره برابری در ازدواج و روابط خانوادگی به این مسأله اشاره شده است. در بند ۳۸ این تفسیر عمومی آمده است: «برخی کشورها سن متفاوتی را برای ازدواج زنان و مردان قرار داده‌اند و چنین مقرراتی که به طرز ناصحیحی به تفاوت در درجه رشد روانی زنان به نسبت مردان قائل است یا مراحل رشد روحی و روانی برای ازدواج را کم اهمیت تلقی می‌کند باید الغا شود.» در ادامه این تفسیر به نامزدی دختر بچه‌ها اشاره شده که قول ازدواج او را یکی از اعضای خانواده از جانب او تعهد می‌کند و چنین کاری نه تنها مغایر عهدنامه بلکه ناقض حق یک زن برای انتخاب آزادانه شریک زندگی‌اش است.

این بند از توصیه‌نامه، مبتنی بر ماده (۲) ۱۶ عهدنامه رفع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان است که اشعار می‌دارد: «نامزدی و ازدواج کودک هیچ اثر قانونی ندارد و کلیه اقدامات ضروری از جمله وضع قانون برای تعیین حداقل سن ازدواج و اجباری کردن ثبت ازدواج در دفاتر رسمی باید به عمل آید.»

به موجب ماده (۲) ۲۳ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، حق نکاح و تشکیل خانواده برای زنان و مردان از زمانی به رسمیت شناخته می‌شود که به سن ازدواج می‌رسند.

کمیته حقوق بشر تعیین سن ازدواج برای زنان و مردان توسط دولت‌ها را بر مبنای معیارها و شاخص‌های برابر^{۳۶} توصیه می‌کند و کمیته میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز بر مشخص کردن سن واحد برای ازدواج دختران و پسران در نظریه تفسیری خود درباره برابری حقوق زنان و مردان تأکید نموده است^{۳۷}.

در مجموع چنین به نظر می‌رسد گرایش اسناد به مشخص کردن سن مساوی برای دختران و پسران برای ازدواج است زیرا ملاک نباید سن بلوغ جسمی باشد و بلوغ روانی و اجتماعی نیز باید مدنظر قرار بگیرد که نمی‌تواند مبنای تفاوت معناداری در سن ازدواج برای دختر و پسر باشد.

بند ۳. سن ازدواج در نظام حقوقی ایران

۸۰ سال پیش، در سال ۱۳۱۳ یعنی ۲۷ سال قبل از این که جامعه بین‌المللی کنوانسیون مربوط به رضایت به ازدواج، حداقل سن ازدواج و ثبت ازدواج (مصوب ۱۹۶۲ (۱۳۴۰ شمسی) مجمع عمومی سازمان ملل متحد) را به تصویب برساند، قانونگذار ایران ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی را تدوین و تصویب نمود که به موجب آن حداقل سن ازدواج دختران را ۱۵ سال و برای پسران ۱۸ سال تعیین کرده بود. اما در شرایط خاص با ارائه گواهی دادگاه این سن می‌توانست برای دختران به ۱۳ سالگی و پسران به ۱۵ سالگی کاهش یابد.^{۳۸}

در ماده ۳ اصلاحی قانون راجع به ازدواج مصوب ۱۳۱۶ نیز آمده بود: «هر کس بر خلاف مقررات ماده ۱۰۴۱ ق.م. با کسی که هنوز به سن قانونی برای ازدواج نرسیده است، مزاجت کند به شش ماه تا دو سال حبس تأدیبی محکوم خواهد شد. در صورتی که دختر به سن ۱۳ سال تمام نرسیده باشد، لااقل به دو تا سه سال حبس تأدیبی محکوم می‌شود و در هر مورد ممکن است علاوه بر مجازات حبس به جزای نقدی از دو هزار ریال تا بیست هزار ریال محکوم گردد و اگر در اثر ازدواج برخلاف مقررات فوق موافقه منتهی به نقص یکی از اعضا یا مرض دائم زن گردد، مجازات زوج از پنج تا ده سال حبس با اعمال شاقه است و اگر منتهی به فوت زن شود، مجازات زوج حبس دائم با اعمال شاقه است. عاقد و خواستگار و سایر اشخاص که شرکت در جرم داشته‌اند نیز به همان مجازات یا مجازاتی که برای معاون جرم مقرر است، محکوم می‌شوند...»

چهل سال بعد به موجب ماده ۲۳ قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳ سن ازدواج برای دختران به ۱۸ سال و برای پسران به ۲۰ سال افزایش یافت و با گواهی دادگاه در صورت وجود مصلحت فقط برای دختران به ۱۵ سال کاهش می‌یافت.^{۳۹} در ادامه این ماده آمده است «... زن یا مردی که برخلاف مقررات این ماده، با کسی که هنوز به سن قانونی برای ازدواج نرسیده است، مزاجت کند، حسب مورد به مجازات‌های مقرر در ماده ۳ قانون راجع به ازدواج مصوب ۱۳۱۶ محکوم خواهد شد.»

در اصلاحات سال ۶۱ قانون مدنی ماده ۱۰۴۱ مبنی بر ممنوعیت ازدواج کودکان مغایر شرع تشخیص داده شد و نکاح قبل از بلوغ به شرط رعایت مصلحت توسط ولی طفل جایز شناخته شد. در قانون جدید به اجازه از دادگاه نیازی نبود.^{۴۰}

ماده ۳ قانون راجع به ازدواج مصوب ۱۳۱۶ نیز با تصویب ماده ۶۴۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ نسخ گردید. به موجب این ماده: «ازدواج قبل از بلوغ بدون اذن ولی ممنوع است. چنانچه مردی با دختری که به حد بلوغ نرسیده برخلاف مقررات ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی و تبصره

ذیل آن ازدواج نماید، به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال محکوم می‌گردد.» و برای عاقد و خواستگار و موارد نقص عضو یا فوت ناشی از تزویج بر خلاف مقررات ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی، ضمانت اجرایی پیش‌بینی نشد.

طرح اصلاح ماده ۱۰۴۱ ق.م.د در سال ۱۳۸۱ تقدیم مجلس شد. و نهایتاً بر اساس مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در اول تیر ۱۳۸۱ این ماده به این شکل تغییر یافت: «عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی به شرط مصلحت با تشخیص دادگاه صالح.»

ماده ۵۰ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ نیز برای نقص عضو و فوت ناشی از واقعه، ضمانت اجرا پیش‌بینی کرد و همین‌طور برای ولی قهری، مادر، سرپرست قانونی یا مسؤول نگهداری و مراقبت و تربیت زوجه و عاقد نیز مجازات مقرر شد. به موجب این ماده هرگاه مردی برخلاف مقررات ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی ازدواج کند، به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود. هرگاه ازدواج مذکور به واقعه منتهی به نقص عضو یا مرض دائم زن منجر گردد، زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه پنجم و اگر به واقعه منتهی به فوت زن منجر شود، زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه چهار محکوم می‌شود.

در تبصره این ماده آمده است: «هرگاه ولی قهری، مادر، سرپرست قانونی یا مسؤول نگهداری و مراقبت و تربیت زوجه در ارتکاب جرم موضوع این ماده تأثیر مستقیم داشته باشند به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شوند. این حکم درمورد عاقد نیز مقرر است.» همچنین به موجب ماده ۵۶ این قانون هر سردفتر رسمی که بدون اخذ گواهی ... یا برخلاف مقررات ماده (۱۰۴۱) قانون مدنی به ثبت ازدواج اقدام کند... به محرومیت درجه چهار موضوع قانون مجازات اسلامی از اشتغال به سردفتری محکوم می‌شود.

هم‌چنین به موجب بند ب ماده ۶۶۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، «... هرگاه همسر، نابالغ و افشاء به سبب مقاربت جنسی باشد علاوه بر تمام مهر و دیه کامل زن، نفقه نیز تا زمان وفات یکی از زوجین بر عهده زوج است هر چند او را طلاق داده باشد...»

به نظر می‌رسد وضعیت ایران تفاوت چندانی با کشورهایی که حداقل سن ازدواج را مشخص نکرده اند ندارد و در ازدواج‌های زیر سن قانونی (۱۳ برای دختر و ۱۵ برای پسر) این سؤال مطرح می‌شود که با احتمال بالای ترک تحصیل کودک و آثار کم‌سوادی بر زندگی وی^{۴۱}، رابطه جنسی ناخواسته، بارداری زودهنگام و خطرات آن برای سلامتی مادر و کودک، مسئولیت‌های والدینی در سنی که شخص هنوز کودک است و نیاز به حمایت دارد، مسئولیت‌های زندگی مشترک که کودک به دلیل عدم بلوغ روانی درک درستی از آن ندارد، بزرگسال تلقی شدن و عدم حمایت به عنوان کودک، مورد خشونت خانوادگی واقع شدن و مداخلات آسیب‌زننده خانواده‌های زوجین و در مواردی

طلاق که مفسده‌های مشخص چنین ازدواج‌هایی هستند احراز مصلحتی که بتواند توجیه‌گر ازدواج کودکان باشد کار ساده‌ای به نظر نمی‌رسد.^{۴۲}

گفتار ۴- رضایت آزادانه برای ازدواج

بلوغ، یک پدیده طبیعی است که می‌تواند از فردی به فرد دیگر و از منطقه‌ای به منطقه دیگر تفاوت کند. بدین معنا که گرچه در مناطق گرمسیر با شرایطی که کودکان در آن پرورش می‌یابند، سن بلوغ زودتر از کودکانی است که در مناطق سرد سیر رشد می‌کنند، اما همین سن بلوغ در مناطق گرمسیر نیز خود می‌تواند از منطقه‌ای به منطقه دیگر متغیر باشد. در این سن عموماً تغییراتی به لحاظ جسمی و فیزیکی و رفتاری و عاطفی در کودک ایجاد می‌شود و او وارد مرحله جدیدی از عمر خود می‌شود.

کودک غالباً تا سن ۱۸ سال نمی‌تواند در بسیاری از جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی زندگی خود مستقلاً عمل کند، چراکه از رشد کافی برای اداره امور خود در حوزه اقتصادی و اجتماعی برخوردار نیست و هرچند به لحاظ محیط و شرایطی که در آن پرورش یافته ممکن است، در سنین زیر ۱۸ سال توان کافی را برای اداره برخی از امور خود داشته باشد اما این یک مورد استثنایی است؛ چون اغلب کودکان در این سن از توانایی‌های لازم برخوردار نیستند.

از آن جا که ازدواج پیوندی عاطفی، احساسی، جنسی، اقتصادی و اجتماعی و متضمن وظایف و مسئولیت‌هایی در زندگی مشترک است علاوه بر ارزیابی بلوغ جنسی باید به بلوغ روانی و درک عقلی با توجه به اوضاع و احوال جغرافیایی و منطقه‌ای، عادات و عرفیات و تحول وضع نوجوانان در دنیای امروز به لحاظ تسهیل ارتباط بین دختر و پسر، تغذیه بهتر و آموزش‌های نوین و استفاده گسترده‌تر از وسایل ارتباط جمعی توجه داشت. اگرچه به نظر می‌رسد سن بلوغ روانی و درک عقلی نیز به سن بلوغ جنسی نزدیک‌تر شده اما برای تصمیم‌گیری در خصوص این که سن آمادگی دختر و پسر برای قبول مسئولیت زندگی مشترک چه سنی می‌تواند باشد، باید نگاهی واقع‌بینانه به جامعه داشت.

در جوامعی که ازدواج شرط برقراری روابط جنسی و عاملی برای حفظ پاکدامنی جوانان جامعه است، سنی که در آن فرد اصولاً توانایی برقراری ارتباط جنسی را دارد و این سن غالباً روابط معناداری با سن بلوغ دارد، به عنوان سن ازدواج شناسایی می‌شود اما آیا صرف بلوغ جنسی می‌تواند پایه‌گذار یک زندگی مشترک باشد که ابعاد و جنبه‌های گوناگون و متفاوتی دارد که مستلزم درک عقلی و بلوغ روانی است؟

از طرف دیگر، در جوامعی که برقراری روابط جنسی در خارج از چارچوب ازدواج به رسمیت شناخته شده است، معمولاً سن ورود به ارتباط جنسی از سن قابلیت ازدواج پایین‌تر است.^{۴۳} در این جوامع برقراری ارتباط جنسی با فردی که به سن رضایت مقرر در قانون نرسیده است علیرغم توافق

طرفین رابطه، جرم، شخص بزرگسال مجرم و طرف مقابل قربانی محسوب می‌شود^{۴۴} هر چند که با رابطه جنسی دو فرد زیر سن ازدواج غالباً با تسامح برخورد می‌شود.

ازدواج اجباری ازدواج بدون رضایت یا برخلاف میل یکی از طرفین یا هر دوی آنان است. سازمان ملل متحد چنین ازدواجی را به جهت نقض اصل آزادی و استقلال فردی نوعی سوءاستفاده حقوق بشری تلقی نموده و بنابراین در چندین سند حقوق بشری از جمله اعلامیه حقوق بشر، عهدنامه الغای بردگی^{۴۵}، میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی و اجتماعی، عهدنامه رفع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان و عهدنامه حقوق کودک به ازدواج آزادانه و با رضایت کامل اشاره شده است و حتی یک معاهده بین‌المللی با عنوان «عهدنامه مربوط به رضایت با ازدواج، حداقل سن برای ازدواج و ثبت ازدواج‌ها» در ۱۹۶۲ به تصویب رسیده است^{۴۶} که حاکی از دغدغه جامعه بین‌المللی در این خصوص می‌باشد.

در دسامبر ۲۰۱۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، قطعنامه‌ای را تصویب نمود که به موجب آن ۱۱ اکتبر هر سال را «روز بین‌المللی کودکان دختر» نامید و موضوع اصلی این روز در سال ۲۰۱۲ را «پایان دادن به ازدواج کودکان» قرار داد^{۴۷}.

در سپتامبر ۲۰۱۳ نیز شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد با صدور قطعنامه‌ای ضمن ابراز نگرانی از شیوع ازدواج اجباری، زودهنگام و ازدواج کودکان در سراسر دنیا که مانع زندگی فارغ از خشونت افراد و مانعی جدی برای بهره‌مندی آنان از حقوقی نظیر آموزش، استاندارد بالای سلامت از جمله بهداشت جنسی و باروری می‌شود خواستار پیشگیری و امحای چنین ازدواج‌هایی که به‌ویژه دارای آثار نامتناسبی بر وضعیت زنان و دختران می‌باشد شد^{۴۸}.

در این قطعنامه آمده است که این ازدواج‌ها علاوه بر متأثر نمودن وضعیت اقتصادی، حقوقی، اجتماعی و بهداشتی زنان و دختران مانعی بر سر راه توسعه جامعه در کل و توانمندسازی و سرمایه‌گذاری در حوزه زنان و دختران و مشارکت معنا دار آنان در تصمیماتی است که بر روی آنان تأثیر می‌گذارد و مانع اصلی در شکستن چرخه عدم برابری جنسیتی، تبعیض، خشونت و فقر و رشد اقتصادی، توسعه پایدار و حصول اهداف توسعه هزاره می‌باشد.

معاهده الحاقی ۱۹۵۶ درباره الغای بردگی، در بند(ج) ماده ۱ خود هرگونه ازدواجی را که بر دختر یا زن توسط خانواده یا قیم‌شان تحمیل گردد، عمل مشابه بردگی تلقی می‌نماید. همچنین ازدواج اجباری در برخی قوانین و اسناد ملی و بین‌المللی به صراحت به عنوان شکلی از آزار و اذیت مربوط به جنسیت شناخته شده است. (دوورن و میلینک^{۴۹}، ۲۰۱۰، ۶۳-۶۲) در ۲۰۰۸ نیز دادگاه کیفری ویژه سیرالئون ازدواج اجباری را مطابق حقوق بین‌الملل کیفری «جنایت علیه بشریت»^{۵۰} اعلام نمود. (دلوجیو^{۵۱}، ۲۰۱۱، ۳)

در تفسیر عمومی مشترک کمیته رفع تبعیض علیه زنان و کمیته حقوق کودک در نوامبر ۲۰۱۴،

با اشاره به انواع ازدواج‌های اجباری، ازدواجی که حداقل یک طرف آن کمتر از ۱۸ سال داشته باشد به دلیل عدم امکان رضایت آزادانه، کامل و آگاهانه برای ازدواج، نیز اجباری تلقی شده است.^{۵۲} در این تفسیر ازدواج فرد با حداقل سن ۱۶ سال، در شرایط استثنایی و خاص پذیرفته شده مشروط بر اینکه این تصمیم توسط قاضی بر اساس شرایط و اوضاع و احوال خاصی که در قانون مشخص شده و بلوغ کودک و صرفنظر از ملاحظات سنتی و فرهنگی اتخاذ شود. در ادامه به ازدواج کودکان با افرادی که حداقل یک دهه با آنان تفاوت سنی دارند اشاره و نسبت به صلاحیت تصمیم‌گیری ولی یا سرپرست کودک به لحاظ قانونی و عرفی در مورد ازدواج کودک به ویژه بر خلاف میل و اراده آزاد او ابراز نگرانی شده است.

در توصیه‌نامه عمومی شماره ۲۱ کمیته رفع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان، درباره برابری در ازدواج و روابط خانوادگی به نامزدی دختر بچه‌ها اشاره شده که قول ازدواج او را یکی از اعضای خانواده از جانب او تعهد می‌کند و چنین کاری نه تنها مغایر عهدنامه بلکه ناقض حق زن برای انتخاب آزادانه شریک زندگی‌اش است.

ازدواجی که توسط والدین ترتیب داده می‌شود ممکن است به مفهوم ازدواج اجباری در مفهوم مصطلح آن نباشد. در این ازدواج اگرچه والدین نقش اساسی را در ترتیبات ازدواج ایفا می‌کنند اما ممکن است کودک وادار به این ازدواج نشود ولی در اسناد بین‌المللی ازدواج کودک از مصادیق ازدواج اجباری تلقی شود با این پیش‌فرض که کودک قابلیت لازم برای تشخیص و تصمیم‌گیری را به دلیل عدم بلوغ روانی، عاطفی و اجتماعی برای امر خطیری چون ازدواج ندارد و استفاده از واژه اجبار الزاماً به مفهوم مجبور کردن کودک به رضایت به ازدواج نیست و حتی اگر کودک از این ازدواج استقبال کند و رضایت به آن داشته باشد، این رضایت معتبر نیست و این ازدواج، اجباری تلقی خواهد شد.

در نظام حقوقی ایران طبق ماده ۱۰۷۰ قانون مدنی رضای زوجین شرط نفوذ عقد است و نمی‌توان بر خلاف رضایت آنان تصمیم به ازدواجشان گرفت (مهرپور^{۵۳}، ۱۳۹۳، ۵۵) ولی هم‌چنان این دغدغه وجود دارد که رضایت شخص در سن زیر ۱۸ سال که به لحاظ قانون اجازه دخل و تصرف در بسیاری از امور خود را ندارد چگونه می‌تواند برای امر خطیر و سرنوشت‌سازی مثل ازدواج معتبر تلقی شود و به همین دلیل است که بین سن و رضایت به ازدواج ارتباط معناداری وجود دارد. (پرابرت به نقل از اسمیت و انکر، ۲۰۰۵، ۲۴۵)

طبق آمار سازمان ثبت‌احوال ایران در طول سال‌های ۱۳۹۰، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲، مجموعاً ۹۰۳/۷۶۱ ازدواج زیر ۱۹ سال برای دختران^{۵۴} و ۱۲۸/۵۱۷ ازدواج زیر ۲۰ سال برای پسران ثبت شده است.^{۵۵}

بند ۱. اجازه ولی یا والدین برای ازدواج

یکی از مهم‌ترین مفاد میثاق، بند ۳ ماده ۲۳ میثاق است که به ممنوعیت ازدواج بدون آزادی و

رضایت کامل زوجین اشاره می‌کند و همه انواع ازدواج‌های تحمیلی توسط دولت و اشخاص خصوصی معمولاً شامل والدین یا دیگر اعضای خانواده، را ممنوع می‌کند. این مقرر برای جلوگیری از ازدواج‌هایی که امروزه در برخی جوامع و مطابق برخی فرهنگ‌ها اتفاق می‌افتد و به ویژه برای حمایت از دخترانی است که به خواست والدین‌شان، مجبور به ازدواج می‌شوند.

در این جوامع دختران در بدو تولد یا حتی قبل از آن به خواست پدر و مادرشان به نامزدی درمی‌آیند. گاهی این نشان دوستی بین دو فرد یا دو گروه است و طی سال‌ها به خانواده دختر هدایایی یا خدماتی داده می‌شود تا خانواده دختر را به تعهد خود پایبند سازد. دختران به‌عنوان نیروی کمکی وارد خانه مرد می‌شوند و علیرغم سن پایین مجبورند صاحب فرزند شوند تا آرزوی دیدن نوه برای سالمندان فامیل قبل از فوت محقق شود. گاهی نیز خانواده دختر سعی می‌کند با این ازدواج از برقراری ارتباط جنسی افراد دیگر با دختر ممانعت و پیشگیری کند. (چیل^{۵۶}، ۱۳۸۸، ۱۸۷-۱۸۶).

بر اساس این مقرر ازدواج تنها زمانی ممکن است که طرفین عقد ازدواج، نزد یک مقام دولتی صالح، قصد خود را مبنی بر ازدواج اعلام کنند و این اعلام در شرایط صحت عقل و فارغ از اجبار، تقلب و ترس باشد. این مقرر با بند دوم ماده ۲۳ کامل می‌شود که حق ازدواج را تنها برای کسانی که به سن ازدواج رسیده‌اند به رسمیت می‌شناسد. طبق این مقرر، کشورهای عضو ملزم می‌شوند ازدواج اشخاصی را که دارای اهلیت نیستند و کسانی که در زمان ازدواج به دلیل ناتوانی ذهنی یا تحت تأثیر استعمال مشروبات الکلی یا مواد روانگردان دارای صحت عقل نیستند ممنوع کنند. پر واضح است چنین مقرره‌ای نه‌تنها برای حمایت شخص بلکه برای شریک زندگی وی نیز مفید و ضروری است.

در خلال تدوین این مقرر از میثاق که ملهم از ماده (۲) ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر است، بحث‌های زیادی حول این محور مطرح شد که شرط رضایت والدین در ازدواج صغیر با ماده (۳) ۲۳ در تعارض است یا خیر^{۵۷}. در کمیته سوم مجمع عمومی، تعدادی از هیأت‌های نمایندگی، به‌طور خاص تأکید نمودند که ماده (۳) ۲۳ حق رضایت والدین یا دیگر نمایندگان قانونی صغار را محدود نمی‌کند^{۵۸} و در قانون بسیاری از کشورها نیز افرادی که زیر سن حداقلی ازدواج می‌خواهند ازدواج کنند، اجازه یکی از والدین یا هر دوی آنان لازم است و اشکال به قانون کشورهایی وارد است که اجازه یکی از والدین یا هر دو را برای ازدواج دختر در هر سنی حتی بزرگسالی لازم می‌دانند، چرا که در برخی موارد می‌تواند مانع ازدواج دختر شود.

کمیته حقوق بشر نیز علاوه بر ارتباط رضایت با سن ازدواج، مانع دوم بر سر راه تصمیم آزادانه زنان به ازدواج را رضایت قیم یا سرپرست زن - که عموماً از جنس مذکر است «به‌جای رضایت وی»^{۵۹} می‌داند. مجبور کردن زنان مورد تجاوز به ازدواج بر اثر فشارهای اجتماعی یا قوانینی که به‌موجب آن

ازدواج با زن مورد تجاوز از عوامل تخفیف یا سلب مجازات است و به ویژه زمانی که قربانی تجاوز کودک است - که خود عاملی برای کاهش سن ازدواج است - از دیگر عواملی است که رضایت آزادانه به ازدواج را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

در نظام حقوقی ایران به موجب ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی، اذن ولی برای ازدواج پسران کمتر از ۱۵ سال و دختران کمتر از ۱۳ سال لازم است که این در شرایط موجود و صرف‌نظر از اصل موضوع که ممنوعیت ازدواج کودکان است ظاهراً جنبه حمایتی دارد حداقل مشروط بر این که همان گونه که کمیته متذکر شده است، جایگزین رضایت شخص نشود. ولی امروزه «در اکثر قوانین کشورها حتی بسیاری از کشورهای اسلامی، ازدواج پسر و دختر قبل از رسیدن به سن بلوغ یعنی سن قابلیت نکاح ممنوع است و بنابراین نکاح در سنی که هنوز فرد قابلیت نکاح ندارد و نمی‌تواند تشخیص دهد و در نتیجه تصمیم‌گیری در این مورد باید با دیگری (ولی) باشد، اصولاً ممنوع گردیده است». (مهرپور، ۱۳۹۳، ۵۳)

بند ۲. اجازه ولی برای ازدواج دختر

همان طور که در مباحث پیشین اشاره شد، ازدواج آزادانه و با رضایت کامل زوجین یکی از مهم‌ترین مفاد میثاق در بند ۳ ماده ۲۳ میثاق حقوق مدنی و سیاسی است که برای جلوگیری از ازدواج‌هایی مقرر شده که امروزه در برخی جوامع و مطابق برخی فرهنگ‌ها اتفاق می‌افتد و به ویژه برای حمایت از دخترانی است که به خواست والدینشان، مجبور به ازدواج می‌شوند. در قسمت‌های پیشین به بحث نکاح با رضایت آزادانه و کامل طرفین پرداخته شد و در این جا در بحث تبعیض، از زاویه دیگری به این موضوع نگاه خواهیم کرد.

در برخی جوامع مثل کشور ما رضایت آزادانه و کامل طرفین ازدواج صرفاً برای اشخاص ذکور بزرگسال تأمین می‌شود و دختران خانواده چه در سنین کودکی و چه پس از آن و حتی در سالمندی اگر دارای ولی قهری باشند، برای ازدواج اول نیازمند رضایت او هستند.^{۲۰} البته ازدواج‌های کودکان در هر حال با مفاد میثاق و سایر اسناد بین‌المللی مغایرت دارد. در این جا دو شکل از تبعیض نمایان می‌شود: یکی این که چرا این اجازه صرفاً برای دختر خانواده لازم است و نه برای پسر؛ و دیگر این که چرا فقط برای پدر یا جد پدری چنین صلاحیتی در نظر گرفته شده و اجازه مادر برای این موضوع لازم نیست.

البته هدف از طرح این موضوع این نیست که بگوییم این اجازه را باید برای پسران خانواده نیز لازم بدانیم و اجازه مادر را نیز به اجازه پدر یا جد پدری ملحق کنیم، بلکه باید دید چنین تبعیضاتی آیا می‌توانند تفاوت‌هایی عینی و منطقی تلقی شوند و توجیهات کافی برای آن وجود دارد؟ ضمن اینکه اگر دختر یا پسر بچه‌ای فاقد پدر و جد پدری باشد آیا در این مورد نیز می‌توان اجازه مادر را برای ازدواج وی از بعد حمایتی آن نادیده گرفت؟

به موجب ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی، اذن ولی برای ازدواج پسران کمتر از ۱۵ سال و دختران کمتر از ۱۳ سال لازم است. این بدان معناست که ازدواج پسر تا سن ۱۵ سالگی و ازدواج دختر تا سن ۱۳ سالگی منوط به اذن پدر یا جد پدری است لیکن براساس ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی «نکاح دختر باکره اگرچه به سن بلوغ رسیده باشد، موقوف به اجازه پدر یا جد پدری اوست...» بنابراین پسر بعد از سن ۱۵ سال از نیاز به اذن ولی برای ازدواج فارغ و دختر در تمام سنین نیازمند اذن ولی برای ازدواج است. البته مجدداً صرف نظر از ممنوعیت نکاح کودکان، حداقل جنبه حمایتی آن تا سن ۱۸ سال می‌تواند توجیه‌پذیر باشد و می‌توان حتی این عدم حمایت از پسران ۱۵ تا ۱۸ سال را تبعیضی نسبت به آنان تلقی نمود. استاد کاتوزیان در توجیه این تفاوت اظهار می‌دارد: «در اخلاق عمومی اهمیت نکاح پسر و دختر برابر نیست و تحمل شکست دختر در این مرحله از زندگی دشوارتر به نظر می‌رسد. به همین دلیل، قانون‌گذار نیز آن دو را یکسان ندیده و اذن ولی را پس از بلوغ به نکاح دختر اختصاص داده است.» (کاتوزیان^{۶۱}، ۱۳۸۷، ۷۲)

ایشان در ادامه به مطلق و کامل نبودن اختیار ولی قهری در این باب اشاره می‌کند که بنابر آن دادگاه می‌تواند موجه بودن مخالفت را بررسی کند و ولی قهری ناچار است دلایل مخالفت خود با ازدواج دختر را به دادگاه بدهد و آن تصمیم را توجیه کند که البته این نیز جای بحث دارد^{۶۲}. در برخی کشورها نظیر فرانسه و سوئیس، تا قبل از اینکه سن ازدواج دختر و پسر و سن رشد قانونی بر هم منطبق شود و ۱۸ سال اعلام شود سن مجاز نکاح برای دختر زیر سن قانونی بود لذا دختر در فاصله بین سن ازدواج و سن رشد قانونی نیازمند اجازه پدر و مادر برای ازدواج بود (مهرپور، ۱۳۹۳، ۵۴).

در مجموع به نظر می‌رسد در شرایطی که ازدواج افراد کمتر از ۱۸ سال در برخی کشورها ممنوع نشده است اگرچه نباید اجازه والدین را جایگزین اجازه کودک نمود ولی نمی‌توان اجازه والدین را خلاف اصل آزادی آنان تلقی کرد و کسب مجوز از دادگاه با در نظر گرفتن مصالح کودک می‌تواند ضامن اطمینان خاطر از بعد حمایتی این اذن باشد به ویژه در مواردی که والدین بنابر علل پیش گفته و برای مثال به دلایلی نظیر فقر و اعتیاد اقدام به ازدواج فرزندشان می‌کنند و در پایان به نظر می‌رسد پسران نیز حداقل تا رسیدن به سن قانونی بی‌نیاز از این حمایت نباشند.

نتیجه‌گیری

حق ازدواج و تشکیل خانواده حقی است که هم در میثاق حقوق مدنی و سیاسی و هم در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به آن اشاره شده است. این حاکی از این است که دولت نه تنها نباید آزادی‌های فرد را در این خصوص سلب کند بلکه باید تدابیر لازم برای حمایت از آزادی فرد در مقابل دیگران را فراهم کند. ایران نیز عضو میثاقین حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی،

اجتماعی و فرهنگی می‌باشد و به عهدنامه حقوق کودک نیز پیوسته است البته با اعلام حق شرط کلی نسبت مواد و مقرراتی که مغایر با شریعت اسلامی هستند که این نیز خود جای بحث دارد. تفاوت نیازها و اقتضانات زندگی در جوامع صنعتی و توسعه یافته با جوامع در حال توسعه یا کمتر توسعه یافته برای مثال تفاوت در نقش آموزش رسمی برای ورود به بازار کار در این دو مدل از جوامع و تفاوت در محدودیت، ممنوعیت و عدم ممنوعیت برقراری روابط جنسی قبل از سن ۱۸ سال در کشورهای مختلف بویژه از زمانی که فرد به سن رضایت می‌رسد را می‌توان از دلایلی فرض کرد که مانع از مشخص کردن یک سن قطعی به عنوان حداقل سن ازدواج در اسناد بین‌المللی شده است.

در مجموع با مروری بر معاهدات بین‌المللی، قطعنامه‌ها و توصیه‌نامه‌ها و همینطور نظریات تفسیری نهادهای مبتنی بر معاهدات و نظام حقوقی ایران می‌توان نتیجه گرفت:

- بین سن و رضایت به ازدواج ارتباط معناداری وجود دارد و ازدواج کودکان ازدواج اجباری محسوب می‌شود ولی در ایران ازدواج زیر حداقل سن ازدواج نیز با اذن ولی و تشخیص مصلحت در دادگاه، ازدواج اجباری محسوب نمی‌شود؛
- تعیین حداقل سن ازدواج و تأکید بر رضایت به ازدواج و ارتباط مستقیم این دو در مورد کودکان مورد تأکید است و دولت‌های عضو مکلف به قانونگذاری درباره حداقل سن ازدواج و اجباری کردن ثبت ازدواج و جرم‌انگاری عدم رعایت آن هستند و قانونگذار ایرانی نیز قوانینی را در این خصوص به تصویب رسانده است ولی با توجه به قابل عدول بودن حداقل سن با شرایطی، گویی در زمره کشورهای است که حداقل سن ازدواج را مشخص ننموده‌اند؛
- علیرغم عدم تعیین حداقل سن ازدواج واحد در اسناد بین‌المللی که بین ۱۵ تا ۱۸ سال در نوسان است، قطعنامه‌ها و نظریات تفسیری در این خصوص وجود دارد و این سن باید به نحوی تعیین شود که زوجین بتوانند رضایت کامل و آزاد خود را به‌شکلی که در قانون مشخص شده ابراز کنند. در ایران حداقل سن ازدواج ۱۳ برای دختر و ۱۵ سال برای پسر تعیین شده است.
- از زمان تصویب عهدنامه حقوق کودک و اسناد و نظریات تفسیری بعد از آن، تأکید بر حداقل سن ۱۸ سال برای ازدواج است و اگر این حداقل سن کمتر از ۱۸ سال باشد تنها می‌توان با دلایلی جدی و سخت‌گیرانه و با احراز منفعت یا مصلحت کودک توسط دادگاه تصمیم گرفت. در ایران حداقل سن ازدواج نیز با اذن ولی و اجازه دادگاه قابل عدول است؛
- معیارهای مصلحت باید در قانون مشخص شود تا از تصمیمات خودسرانه و متفاوت در موارد مشابه جلوگیری شود لیکن این معیارها در قوانین ایران مشخص نیستند. در سال

۱۳۹۱ بنابر آمار ثبت احوال ۷۵ مورد ثبت ازدواج زیر سن ۱۰ سال در تهران انجام شده است و نظر به اینکه ثبت این ازدواج‌ها بدون مجوز دادگاه امکان‌پذیر نیست اینکه چگونه دادگاه چنین ازدواجی را به مصلحت طفل تشخیص داده است نیز جای تأمل دارد. ضمن اینکه آمارها هم‌چنین حاکی از ثبت ازدواج‌هایی هستند که در آن دختر بچه‌ها با مردانی ازدواج کرده‌اند که حداقل بیش از دو برابر سن آن‌ها را دارد (برای اطلاع از آمار دقیق به سایت ثبت احوال مراجعه شود)؛

- گرایش اسناد به مشخص کردن سن مساوی برای دختران و پسران برای ازدواج است زیرا علاوه بر بلوغ جسمی، برای ازدواج، بلوغ عاطفی، روانی و اجتماعی نیز لازم است و صرف تفاوت در سن بلوغ نباید منجر به تفاوت حداقل سن دختر و پسر برای ازدواج باشد و باید دلایل عینی و منطقی برای این تفاوت ارائه شود. در قانون ایران این سن برای دختر ۱۳ و برای پسر ۱۵ سال می‌باشد که این تقریباً با سن بلوغ پسر منطبق می‌باشد و اگر چه سن بلوغ دختر در قانون مدنی ایران ۹ سال تعیین شده ولی سن ۱۳ سال به سن واقعی بلوغ جسمی دختران در بسیاری از مناطق ایران نزدیک‌تر است؛ بنابراین می‌توان گفت که حداقل سن ازدواج در ایران با سن بلوغ جسمی انطباق دارد؛
- اذن ولی برای ازدواج اختصاص به پدر ندارد و به اجازه والدین برای ازدواج زیر سن قانونی فرزندان اشاره شده است. در ایران این اذن اختصاص به پدر و جد پدری دارد؛
- جنبه حمایتی اذن والدین و تشخیص مصلحت توسط دادگاه اختصاص به دختران ندارد و پسران نیز نیازمند این اذن حمایتی در ازدواج قبل از سن قانونی هستند. در ایران این اذن برای دختر باکره مادام‌العمر است که البته با شرایطی طبق ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی قابل عدول است و برای پسر تا سن ۱۵ سال می‌باشد. ضمناً این اذن حمایتی برای ازدواج، نباید در مورد دختر کمتر از ۱۸ سالی که به هر دلیلی باکره نیست، منتفی شود.

در اینجا لازم به ذکر است علل و عواملی که باعث ازدواج زودهنگام و اجباری می‌شود خود نشانی از انفکاک‌ناپذیری، وابستگی و ارتباط متقابل همه حقوق بشر و تأثیرگذاری متقابل حقوق بشر بر یکدیگر دارد. در جاییکه یک کودک در جامعه کوچکی زندگی می‌کند که امکان ادامه تحصیل به دلیل فقر یا هر دلیل دیگری برایش مهیا نیست و یا اگر هست برای او و خانواده‌اش اهمیت چندانی ندارد بدان جهت که مهارت‌های زندگی را در حد مطلوب خود و جامعه‌اش در درون خانواده آموخته است و از نظر آنان سن بلوغ جسمانی با بلوغ فکری و اجتماعی او - به حد کافی برای زندگی در اجتماع خودش - مطابقت دارد؛ وقتی که اعتیاد یا اختلالات روانی یکی از والدین یا هر دو و فقر و بی‌سوادی آنان سایه شوم خود را بر زندگی یک کودک انداخته است؛ زمانی که سیل مهاجرت مردان به شهرها برای کار یا تحصیل، برای والدین دغدغه بی‌همسر ماندن دخترانشان را در پی دارد و یا

ترس از آلوده شدن به گناه، آنان را به سمت ازدواج کودکانشان سوق می‌دهد صرفاً اکتفا به ممنوعیت و جرم‌انگاری ازدواج زود هنگام و اجباری بدون پرداختن به ریشه‌های آن که غالباً در حوزه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است نمی‌تواند چاره‌ساز باشد و حداقل اثر آن در کشوری نظیر کشور ما بالا رفتن میزان ازدواج‌های ثبت نشده، چندهمسری یا موج جدیدی از تجردهای ناخواسته می‌باشد که تبعات منفی آن کمتر از ازدواج‌های زود هنگام و اجباری نخواهد بود. چراکه قانون با واقعیت فاصله دارد و جامعه راه خودش را می‌رود. بدین جهت نهادهای حقوق بشری و قطعنامه‌ها و توصیه‌های آنها نیز تأکید ویژه‌ای بر پرداختن به علل و عوامل این‌گونه ازدواج‌ها و تلاش برای از بین بردن آن دارند و صرف ممنوعیت و مجازات ازدواج‌های زود هنگام و اجباری را کافی نمی‌دانند.

در ایران نیز به مانند سایر کشورها نمی‌توان علل و پیامدهای ازدواج‌های زود هنگام و اجباری را انکار نمود و تدوین یک برنامه جامع برای اصلاح قوانین بر اساس ظرفیت‌های فقهی و حقوقی موجود و همین‌طور پرداختن به علل و پیامدهای این‌گونه ازدواج‌ها به منظور پیشگیری از وقوع و کنترل پیامدهای آن به ویژه در قالب مقابله با فقر در کنار آگاه‌سازی و آموزش ضروری است.

پی‌نوشت‌ها

۱. توانمندسازی دختران نوجوان، آموزش والدین، فرهنگ‌سازی، حمایت از تحصیل دختران و حمایت مالی از کودکان دختر و خانواده‌های آنان، از جمله برنامه‌های پیشگیرانه برای مقابله با این پدیده است. برای اطلاع بیشتر، ن. ک:
- Raj, A. (2010). When the Mother Is a Child: The Impact of Child Marriage on Health and Human Rights of Girls, *Archives of Diseases in Childhood* 95: 931–35.
- Raj, A. & Boehmer, U. (2013). Girl Child Marriage and Its Association with National Rates of HIV, Maternal Health, and Infant Mortality across 97 Countries. *Violence against Women* 19: 536– 51.
- World Bank Group (2014). *Voice and Agency: Empowering Women and Girls for Shared Prosperity*. UNFPA, *State of the World's Population* 2013.
- UNICEF (2005). *Early Marriage: A Harmful Traditional Practice*. UNICEF, *State of the World's Children* (New York: UNICEF, 2013). <http://www.unicef.org/sowc2013/>
- UNFPA, *Marrying Too Young: End Child Marriage* (New York: UNFPA, 2012).
2. Universal Declaration of Human Rights, 1948
3. International Covenant on Civil and Political Rights, 1966
4. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, 1966
5. The Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women, 1979
6. The Convention on the Rights of the Child, 1989
7. International Convention on the Protection of the Rights of All Migrant Workers and Members of Their Families, 1990
8. European Convention on the Protection of Human Rights and Fundamental Freedom, 1950
9. European Social Charter, 1996
10. African Charter of Human and Peoples Rights, 1981
۱۱. ن. ک: مواد ۲، ۳، ۵ و ۷ تا ۱۱، ۱۴، ۱۶، ۱۸، ۲۰ تا ۲۴، ۲۷، ۳۷ و ۴۰ عهدنامه حقوق کودک
12. International Convention on the Rights of Persons with Disabilities, 2008

13. American Charter on Human and Peoples Rights, 1978.

۱۴. نکته قابل توجه این‌که در این عهدنامه هیچ اشاره‌ای به حق ازدواج و تشکیل خانواده نشده است.

15. Smith & Anker

۱۶. در راستای منع تبعیض بر اساس گرایش جنسی، ازدواج هم‌جنس‌ها در برخی کشورها به رسمیت شناخته شده در حالی که بر اساس تفسیر کمیته حقوق بشر از ماده ۲۳ میثاق، این ماده چنین حقی را برای افراد هم‌جنس به رسمیت نمی‌شناسد. برای اطلاع بیشتر ر. ک: غدیری، ماهرو (۱۳۹۳). حق بر زندگی خانوادگی از منظر حقوق بشر. رساله دکترا، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی. ص ۷۹.

17. Nowak

18. Early Marriage in South Asia, UNICEF. Available at: [http://www.unicef.org/rosa/-earlymarriage \(lastversion\).doc](http://www.unicef.org/rosa/-earlymarriage (lastversion).doc), pp. 6-9; New Insights on Preventing Child Marriage, A Global Analysis of Factors and Programs, Apr 2007, Available at: <https://www.icrw.org/files/publications/New-Insights-on-Preventing-Child-Marriage.pdf>, pp. 7-12; Joint general recommendation No. 31 of the Committee on the Elimination of Discrimination against Women/general comment No. 18 of the Committee on the Rights of the Child on harmful practices, 14 Nov 2014, para. 22.

19. Sabbe, Tammerman, Brems & Leye

20. Pinheiro

۲۱. طبق عهدنامه حقوق کودک هر فرد کمتر از ۱۸ سال کودک محسوب می‌شود و بر این اساس بیش از ۷۰۰ میلیون زن در حال حاضر از جمله زنانی هستند که در کودکی ازدواج نموده‌اند و حدود ۲۵۰ میلیون نفر از آنان زیر ۱۵ سال ازدواج کرده‌اند. ۹۰٪ از ۱۷ میلیون دختر نوجوانی که در سال مادر می‌شوند، ازدواج کرده‌اند.

Child protection from violence, exploitation and abuse, <http://www.unicef.org/protection/-57929-58008.html>

22. Marriageable age

23. Full age

24. Age of legal majority

25. Physical maturity

26. The Convention on Consent to Marriage, Minimum Age for Marriage and Registration of Marriages, New York, 10 December 1962 (این عهدنامه ۵۵ عضو دارد و ایران تا کنون به آن نپیوسته است)

27. Recommendation on Consent to Marriage, Minimum Age for Marriage and Registration of Marriages, General Assembly resolution 2018 (XX) of 1 November 1965, principle II.

28. CRC General Comment No. 19: Article 23 (The family), Para.4.

۲۹. برای مثال، حداقل سن ازدواج برای پسران در کشورهای لیبی، سنگال، تانزانیا، ژاپن، کره جنوبی، تایوان و ویتنام ۲۰ سال و در برخی کشورها نظیر بنگلادش، هنگ‌کنگ، هند، مالزی، نپال، سنگاپور، پرتوریکو، گینه و فیلیپین ۲۱ و در الجزایر، چین، ۲۲ سال است. در کشورهای اروپایی این سن برای دختران و پسران ۱۸ سال می‌باشد. به نقل از:

http://en.wikipedia.org/wiki/Marriageable_age, 6/8/2014 /

30. General Recommendation No. 21: Equality in Marriage and Family Relations, 1994, Para.36-37,

31. Joint general recommendation No. 31 of the Committee on the Elimination of Discrimination against Women/general comment No. 18 of the Committee on the Rights of the Child on harmful practices, 14 Nov 2014.

32. Population Facts (2011).no.1, Department of Economic and Social Affairs, Population Division, available at:

<http://www.un.org/en/development/desa/population/publications/pdf/-popfacts/PopFacts-2011-1.pdf>

۳۳. ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی: «عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح.»

34. "Legal Age for Marriage around the World" in: <http://gulfnews.com/news/region/syria/-legal-age-for-marriage-around-the-world-1.699470>. 2/8/2014

برای اطلاع از پاره‌ای از موانع قانونی برای نکاح کودکان در برخی از کشورهای مسلمان، ر. ک: صفایی، ح؛ قاسم‌زاده، ع؛ عراقی، ع؛ صادقی، م؛ امامی، ا. و دیگران (۱۳۸۴). بررسی تطبیقی حقوق خانواده. زیر نظر ابوالقاسم گرجی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۹۴

۳۵. در اغلب کشورهای آسیایی و آفریقایی نظیر ایران، چین، هند، افغانستان، بنگلادش، اندونزی، اردن، کویت، لبنان، نپال، پاکستان، فلسطین، سوریه، ازبکستان، ویتنام، آذربایجان، الجزایر، ماداگاسکار، سنگال، سومالی، آفریقای جنوبی، تانزانیا، تونس، زیمبابوه و برخی کشورهای آمریکایی نظیر مکزیک، نائورو، پاراگوئه و بولیوی این سن برای دختران و پسران متفاوت است. به نقل از: http://en.wikipedia.org/wiki/Marriageable_age/2/8/2014

36. On the basis of equal criteria: General Comment No. 28: Article 3 (The Equality of Rights between Men and Women), 2000, Para.23.

37. General Comment No. 16: The Equal Right of Men and Women to the Enjoyment of All Economic, Social and Cultural Rights (Art. 3), 2005, Para.27.

۳۸. «نکاح اناث قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام و نکاح مذکور قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام ممنوع است. معذک در مواردی که مصالحی اقتضا کند با پیشنهاد مدعی‌العموم و تصویب محکمه، ممکن است استثنای معافیت از شرط سن اعطا شود. ولی در هر حال این معافیت نمی‌تواند به انائی داده شود که کمتر از ۱۳ سال تمام و به ذکوری شامل گردد که کمتر از ۱۵ سال تمام دارند.»

۳۹. «ازدواج زن قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام و مرد قبل از رسیدن به سن ۲۰ سال تمام ممنوع است. معذک، در مواردی که مصالحی اقتضا کند، استثنائاً در مورد زنی که سن او از ۱۵ سال تمام کمتر نباشد و برای زندگی زناشویی استعداد جسمی و روانی داشته باشد، به پیشنهاد دادستان و تصویب دادگاه شهرستان ممکن است، معافیت از شرط سن اعطا شود...»

۴۰. «عقد نکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی به شرط رعایت مصلحت مولی علیه صحیح می‌باشد.»

۴۱. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در تفسیر عمومی شماره ۱۱ خود درباره آموزش ابتدایی به رابطه معنادار آموزش ابتدایی برای دختران و کاهش عمده ازدواج کودکان اشاره می‌کند.

CESCR Committee General comment No.11: Plans of Action for Primary Education (Art. 14), 1999, Para.4.

۴۲. ثبت احوال استان تهران از ازدواج ۷۵ کودک زیر ۱۰ سال در سال جاری خبر داد. در این میان احمد تویسرکانی رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اعلام کرد: ثبت ازدواج پایین‌تر از سن قانونی برای دختران و پسران، بدون حکم دادگاه تخلف است و در صورت مشاهده یا گزارش بی‌شک با آن برخورد می‌شود به نقل از:

<http://www.tabnak.ir/fa/news/294842/>

۴۳. برای مثال، در اغلب ایالات کانادا سن ازدواج ۱۸ سال می‌باشد در حالی که سن رضایت به روابط جنسی ۱۶ سال می‌باشد. به نقل از: http://en.wikipedia.org/wiki/Marriage_in_Canada/2/8/2014

۴۴. در استرالیا برقراری ارتباط جنسی با فرد زیر ۱۴ سال بیشترین مجازات (زندان ابد) را دارد و در ۱۴ تا ۱۷ سال این مجازات ۱۰ سال زندان می‌باشد.

"What Is the Legal Age of Consent for Sexual Intercourse in South Australia?" See more at: <http://www.andersons.com.au/lawtalk/posts/2013/june/what-is-the-legal-age-of-consent-for-sexual-intercourse-in-south-australia.aspx#sthash.jriJwQo8.dpuf>, 16/6/2013

45. The Convention on the Abolition of Slavery, 1956

۴۶. ماده (۱): هیچ ازدواجی نباید بدون رضایت کامل و آزادانه دو طرف قانوناً به ثبت برسد، چنین رضایتی پس از اطلاع‌رسانی مقتضی و در حضور مقام صالح برای اجرای مراسم ازدواج و شهود، به گونه‌ای که به وسیله قانون تجویز شده، باید شخصاً به وسیله دو طرف ابراز شود.

47. GA/ Res/ 66/ 170, 19 Dec 2011.

48. Promotion and Protection of All Human Rights, Civil, Political, Economic, Social and Cultural Rights, including the Right to Development, 25 September 2013, UN Doc A/HRC/24/L.34/Rev.1.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد به دنبال این قطعنامه در سپتامبر همان سال قطعنامه‌ای را با موضوع ازدواج زود هنگام و اجباری کودکان صادر نمود.

Resolution adopted by the General Assembly on 18 December 2013 [on the report of the Third Committee (A/68/452 and Corr.1)]

49. Dauvergne & Millbank

50. A Crime against Humanity

51. Del Vecchio

52. Joint general recommendation No. 31 of the Committee on the Elimination of Discrimination against Women/general comment No. 18 of the Committee on the Rights of the Child on harmful practices, 14 Nov 2014.

53. Mehrpour

۵۴. حدود ۱۶۰ هزار از این ازدواج‌ها مربوط به دختران کمتر از ۱۵ سال بوده است.

۵۵. این آمار در سلسله نشست‌های نقش رهبران دینی در پیشگیری از خشونت علیه کودکان با موضوع ازدواج زود هنگام و اجباری که در آبان ۱۳۹۳ توسط پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی، مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک وزارت دادگستری و یونیسف برگزار شد، توسط مشاور دبیر علمی اعلام شد.

56. Cheal

57. See: UN Doc A/C.3/SR.1093, P.10, 71, 77 SR.1094 Para.24. In: Nowak, Manfred, Op. cit, p.528

58. GA. Res. 1763 A (XVII) 7 November 1962 in: *Ibid*.

59. Instead of the woman herself: General comment No. 28: Article 3 (The Equality of Rights between Men and Women), 2000, Para.23.

۶۰. صدر ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی: «نکاح دختری که هنوز شوهر نکرده، اگر چه بیش از ۱۸ سال تمام داشته باشد، متوقف به اجازه پدر یا جد پدری اوست...»

61. Katouzian

۶۲. همان، ص ۷۳. نکته قابل توجه این است که قانون‌گذار ایران با توجه به گرایش‌های فرهنگی موجود در جامعه ایرانی مبادرت به تصویب این قانون نموده است که بنا بر اصل اولی عدم ولایت بر دیگری و سایر مستندات فقهی این ماده قابلیت بررسی دارد. برای اطلاع بیشتر در این خصوص رک: روشن، محمد، حقوق خانواده، تهران: جنگل، چ ۳، ۱۳۹۳، ص ۲۳۱-۲۲۵.

منابع

قانون مدنی

چیل، د. (۱۳۸۸). *خانواده‌ها در دنیای امروز*. ترجمه محمد مهدی لیبی. تهران: نشر افکار.
روشن، م. (۱۳۹۳). *حقوق خانواده*. تهران: انتشارات جنگل.

- صفایی، ح.، قاسم‌زاده، ع.، عراقی، ع.، صادقی، م.، امامی، ا. و دیگران (۱۳۸۴). *بررسی تطبیقی حقوق خانواده*. زیر نظر ابوالقاسم گرجی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ن. (۱۳۸۷). *حقوق مدنی خانواده*. تهران: نشر میزان.
- مهرپور، ح. (۱۳۹۳). *مباحثی از حقوق زن از منظر حقوق داخلی، مبانی فقهی و موازین بین‌المللی*. تهران: انتشارات اطلاعات.
- محو خشونت علیه کودکان: کتابچه راهنمای قانون‌گذاران (۱۳۸۷). ترجمه یونیسف. تهران: انتشارات یونیسف.
- Cheal, D. (2009). *Families in Today's World: A Comparative Approach* (M. Labibi, Trans.). Tehran: Afkar Publications [in Persian].
- CESCR Committee General comment No.11: Plans of Action for Primary Education (Art.14), 1999.
- CRC General Comment No. 19: Article 23 (The family).
- Dauvergne, C., & Millbank, J. (2010). *Forced Marriage as a Harm in Domestic and International Law*, 73 *Modern Law Review* 57-88. Available at: www.blackwell-synergy.com
- Del Vecchio, J. (2011). *Continuing Uncertainties: Forced Marriage as a Crime against Humanity*. The Bernard and Audre Rapoport Center for Human Rights and Justice at the University of Texas School of Law. Available at: SSRN.
- Eliminating Violence against Children: Hand Book for Parliamentarians* (2007). [UNICEF Trans.] Tehran: UNICEF Publications [in Persian].
- GA. Res. 1763 A (XVII) 7 November 1962.
- GA/ Res/ 66/ 170, 19 Dec 2011.
- GA. Res. (A/68/452 and Corr.1)18 December 2013.
- General Comment No. 16: The Equal Right of Men and Women to the Enjoyment of All Economic, Social and Cultural Rights (Art. 3), 2005.
- General Comment No. 28, Article 3: *The Equality of Rights between Men and Women* (2000).
- General Recommendation No. 21: *The Equality in Marriage and Family Relations* (1994).
- http://en.wikipedia.org/wiki/Marriage_2/8/2014
- <http://www.tabnak.ir/fa/news/294842/>
- International Covenant on Civil and Political Rights* (1966).
- International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights* (1966).
- International Convention on the Rights of Persons with Disabilities*. Adopted on 13 December 2006.
- International Convention on the Rights of the Child* (1979).
- Iranian Civil Law* [in Persian].
- Joint general recommendation No. 31 of the *Committee on the Elimination of Discrimination against Women*/general comment No. 18 of the Committee on the Rights of the Child on harmful practices, 14 Nov 2014.
- Katouzian, N. (2008). [*Civil Law of Family*]. 6th Ed. Tehran: Mizan Publications [in Persian].
- Legal Age for Marriage around the World*, Available at: <http://gulfnews.com/news-region/syria/legal-age-for-marriage-around-the-world-1.699470>. 2/8/2014.

- Mehrpour H. (2014). [*Certain Issues on Women's Rights*]. 4th Ed. Tehran: Ettelaat Publications [in Persian].
- Nowak, M. (2005). *UN Covenant on Civil and Political Rights, CCPR Commentary*. 2nd ed. USA: N. P. Engel Publishers.
- Pinheiro, P. S. (2006). *World Report on Violence against Children*. UNICEF.
- Population Facts* (2011). Department of Economic and Social Affairs, Population Division, no. 2011/1. Available at: http://www.un.org/en/development/desa/population/publications/pdf/popfacts/PopFacts_2011-1.pdf
- Recommendation on Consent to Marriage, Minimum Age for Marriage and Registration of Marriages, General Assembly resolution 2018 (XX) of 1 November 1965.
- Roshan M. (2012). [*Family Law*]. 2th ed. Tehran: Jungle Publications [in Persian].
- Sabbe, A., Temmerman, M., Brems E., Leye, E. (2014). Forced marriage: an analysis of legislation and political measures in Europe. *Crime, Law and Social Change an Interdisciplinary Journal*, 26(1) 171-189.
- Safaei, H., Ghasemzadeh, A., Araghi, E., Sadeghi, M., Emami, A., et al. (2005). [A Comparative Study of Family Law, under the supervision of Abolghasem Gorji]. Tehran: University of Tehran Press [in Persian].
- Smith, R. K. M, & Anker, C. (2005). *The Essential of Human Rights*. Great Britain: Hodder Arnold Pub.
- The Convention on Consent to Marriage, Minimum Age for Marriage and Registration of Marriages*. New York, 10 December 1962.
- The Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women* (1979).
- Universal Declaration of Human Rights* (1948).
- UN Doc A/C.3/SR.1093, P.10, 71, 77 SR.1094.
- UN Doc A/HRC/24/L.34/Rev.1, *Promotion and Protection of All Human Rights, Civil, Political, Economic, Social and Cultural Rights, including the Right to Development*, 25 September 2013.
- What Is the Legal Age of Consent for Sexual Intercourse in South Australia?* See more at: <http://www.andersons.com.au/lawtalk/posts/2013/june/what-is-the-legal-age-of-consent-for-sexual-intercourse-in-south-australia.aspx#sthash.jriJwQo8.dpuf>, 16/6/2013.